

قضات، فوتبال و رسانه؛ گفتمان کاوی انتقادی برنامه تلویزیونی نود (۹۰)

مسعود تقی‌آبادی^{۱*}، حمید تقی‌آبادی^۲

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. دکترای ادبیات فارسی دانشگاه آزاد، ایران و معاون آموزشی دانشگاه آزاد واحد کابل، افغانستان

تاریخ پذیرش: (۱۳۹۸/۰۹/۰۷)

تاریخ ارسال: (۱۳۹۸/۰۳/۲۸)

Judgment, Football and Media; Critical Discourse Analysis of the Ninety TV Program (90)**Masoud Taghiabadi^{1*}, Hamid Taghiabadi²**

1. Ph.D. Candidate in Communication Science at Allameh Tabataba'i University of Tehran, IRAN

(Corresponding Author)

2. Ph.D. Holder in Literature, Islamic Azad University, IRAN & Education Assistant at Islamic Azad University,

Kabul Branch, Afghanistan

Received: (2019/06/18)

Accepted: (2019/11/28)

Abstract

This paper aims to discourse analysis the concept of judgment in the Ninety (90) TV Program and understands how this program has Constructed the meaning of the judgment in football. in this paper, the authors attempt to analyze two programs with the subject of judgment on November 18, 2013 and March 11, 2013 by using critical discourse analysis method and conflating Laclau and Mouffe with Fairclough and Van Dijk's approaches and purposeful sampling to identify the discursive system of the program and highlights nodal points and moments.

The results of this research indicate that in this program, the nodal point of Adel Ferdowsipours' discourse is management, which interaction and correct legislation are its moments. Also, management, affirmative policy, desirability of performance and desirability of judgment are the nodal points of the program's participants that Using the floating signs and moments of education, management, technology orientation, discipline, forethought, community-based, people-centered, honesty, connoisseurship and physical readiness, Which shaped in a Chain of equivalence, their discourses of judgment and the discursive system of the program.

In fact, based on the findings of the research, the desirability of judgment to a degree is related to the type of policy, the performance of the managers of the country's sport and organization, professional training of referees, attention to technical and professional aspects of judgment, including technology orientation, discipline, physical fitness, as well as the correct legislation of decision making bodies in the field of Sport.

Keywords: Critical Discourse Analysis, Football, Judgment. Navad Program. Referee

چکیده

این مقاله با هدف گفتمان‌کاوی مفهوم قضاوت در برنامه نود و درک چگونگی این برنامه در برساخت معنای قضاوت (داوری) مطلوب در فوتبال صورت گرفت. در این مقاله نویسندگان در تلاشند تا با استفاده از روش تحلیل انتقادی گفتمان و تلفیق رویکردهای لاکلا و موفه با فرکلاف و ون‌دایک و نمونه‌گیری هدفمند به تحلیل دو برنامه با موضوع قضاوت در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۹۴ و ۱۱ اسفند ۱۳۹۲ دست زده تا ضمن شناخت نظام گفتمانی این برنامه، دال‌های اصلی و وقته‌های آن مشخص گردد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در این برنامه، دال اصلی گفتمان مدنظر عادل فردوسی‌پور مدیریت است که تعامل و قانون‌گذاری صحیح وقته‌های آن را تشکیل می‌دهند. همچنین دال مدیریت و سیاست‌گذاری ایجابی، دال مطلوبیت عملکرد و دال مطلوبیت قضاوت، دال‌های اصلی فاعلان این برنامه بوده که با استفاده از دال‌های شناور وقته‌های آموزش، مدیریتی، فناوری‌محور و نظم‌گرایی، آینده‌نگری، اجتماع محوری، مردم‌محوری، صداقت، خیره‌گرایی و دال آمادگی جسمانی در یک زنجیره هم‌ارزی، گفتمان قضاوت و نظام گفتمانی برنامه را شکل می‌دهند.

در واقع برپایه یافته‌های تحقیق، مطلوبیت قضاوت تا حدی مرهون نوع سیاست‌گذاری، نحوه عملکرد مدیران ورزشی و سازمانی کشور، آموزش حرفه‌ای داوران، توجه به ابعاد فنی و حرفه‌ای قضاوت از جمله فناوری‌محوری، نظم‌گرایی، آمادگی جسمانی و همچنین قانون‌گذاری صحیح نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه ورزش است.

واژه‌های کلیدی: برنامه نود، تحلیل انتقادی گفتمان، داور، فوتبال، قضاوت

*Corresponding Author: Masoud Taghiabadi

E-mail: masoud.taghiabadi@gmail.com

* نویسنده مسئول: مسعود تقی‌آبادی

پست الکترونیک: masoud.taghiabadi@gmail.com

مقدمه

فوتبال، محبوب‌ترین ورزش جهان است که میلیاردها هوادار را به سمت خود جذب می‌کند. در این بین تصمیمات داور گاه می‌تواند پیامدهایی سیاسی یا اجتماعی را در برداشته باشد (کولول، ۲۰۰۰: ۲۲). با توجه به تأثیر تصمیمات داور فوتبال و نگرش پرشور طرفداران ورزش نسبت به فوتبال، داورها در مورد استرس‌های فراوانی که در طول بازی تجربه می‌کنند سخن گفته‌اند؛ بعضی از طرفداران فوتبال، اشتباهات داور را به عنوان نشانه‌ای در نظر می‌گیرند مبنی بر اینکه بعضی از داوران به تیم‌های خاصی علاقه دارند (تاناماتی سوارز و شمیر، ۲۰۱۶: ۸۴). در واقع با توجه به حرفه‌ای شدن فوتبال در کشور و اهمیت کسب نتایج مطلوب در مسابقات، نقش داوران بیش از گذشته، برجسته شده و تصمیمات و حرکات آنها با دقت بیش‌تری ارزیابی می‌شود.

فوتبال جدا از ساختار مدیریتی خود، از عناصر مهمی چون ورزشکاران، مربیان، تماشاچی‌ها، طرفداران، داوران و... تشکیل شده است که در حال حاضر بحث داوری آن همانند دیگر بخش‌ها، شکل عملی به خود گرفته و به تحصیل و تجربه نیازمند است. از آنجا که داوری، جایگاه ویژه و تعیین‌کننده‌ای در فوتبال دارد و کارهای بسیار ارزشمندی در جهت رشد و ارتقای سطح کیفی آن در حال انجام است، رسانه‌ها در این جا با به چالش کشیدن ضعف‌های داوری و نشان دادن نقاط ضعف و قوت آنها بستری را برای رشد و توسعه این بخش از بدنه فوتبال کشور مهیا می‌کنند (عبدی و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۲۰). به طور خاص با ورود رسانه‌ها به دنیای ورزش، افزایش قابل ملاحظه‌ای در پوشش تلویزیونی فوتبال، به ویژه در لیگ‌های حرفه‌ای صورت گرفته است. قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها، نمایانگر همه کسانی است که در این بازی حضور دارند، از جمله بازیکنان، داوران و حتی برخی از مدیران. این وضعیت که داوران و تصمیمات آنها تحت توجه قرار می‌گیرد در طول زمان افزایش یافته است (وب، ۲۰۱۸: ۳)، به طوری که هم اکنون پرداختن به موضوع داوری یا قضاوت در مرکز توجهات قرار دارد.

تلویزیون به عنوان وسیله‌ای برای شکل دادن به افکار عمومی، با زیرپوشش قرار دادن معضلات اجتماعی و مسائل مربوط به سیاست‌های داخلی و خارجی، و عرضه برنامه‌های تفریحی و نمایشی، نقش خود را می‌نمایاند. بدون توجه به نوع برنامه‌ای که از تلویزیون پخش می‌شود - بولتن‌های خبری،

موسیقی، مسابقات تلویزیونی، نمایش یک مجموعه (سریال) و غیره - این وسیله ارتباطی در هر حال ملزم به ارائه یک پیام ایدئولوژیک است (بیریوکوف، ۱۹۹۳: ۷۰). به همین دلیل ساخت برنامه‌های پرمخاطب که با هدف پوشش‌دهی رویدادهای ورزش کشور ایجاد می‌شوند با جهت دادن به افکار مسئولین و مخاطبان ضمن شناخت آسیب‌ها و مشکلات ورزش، به جا انداختن فرهنگ نقد در رسانه‌ها کمک کرده و سرعت می‌بخشد. در واقع نقد برای جامعه‌ای که می‌خواهد تعامل مثبت و سازنده میان افراد اجتماع آن برقرار باشد حوزه‌ای بس مهم است و ورزش به ویژه فوتبال که آئینه تمام‌نمایی از جامعه می‌باشد.

در این میان، برنامه تلویزیونی نود در حدود ۲۰ سال پیش با درک کمبود فرهنگ نقدپذیری در سپهر ورزشی کشور پا به صدا و سیمای ج.ا. گذاشت و توانست با پخش رویدادهای مختلف فوتبال به شفاف‌سازی مسائل پشت پرده و بحث قضاوت در فوتبال بپردازد به طوری که بحث داوری موضوع اصلی هفتگی این برنامه شد.

در طول سالیان گذشته این برنامه به واسطه حضور فعال خود در عرصه فوتبال کشور قدرتی را کسب کرده است که مثال زدنی است. همانگونه که بوردیو می‌گوید "میدان" مانند یک بازی است. حضور و فعالیت مفید در یک میدان باعث اصلی کسب منزلت و قدرت نمادین می‌شود و برنامه نود نیز به واسطه بازی‌های رسانه‌ای مختلفی که در قالب برنامه خود پیاده کرد توانست حضوری همه‌جانبه در فوتبال کشور ایجاد کند. این برنامه به دلیل ویژگی‌های مخصوص به خود، مانند مجری مسلط به فوتبال و کارشناس، توجه به حساس‌ترین صحنه‌های مورد علاقه بینندگان، چالشی و انتقادی بودن، باز کردن فضای گفت‌وگویی و انتقادی و بحث و جدل پیرامون حوادث فوتبال و جامعه به برنامه‌ای تأثیرگذار در جامعه و جامعه فوتبال تبدیل شده است. با توجه به اینکه زبان و رسانه ابزارهایی هستند که قدرت را می‌سازند و یکی از مزایای دسترسی به قدرت توانایی خلق گفتمان جدید است، برنامه نود در طول سالیان گذشته گفتمانی را به عنوان نقد خلق کرده است که به رویدادهای مختلف می‌پردازد.

حال با توجه به مطالب گفته شده، هدف از این تحقیق شناخت نظام گفتمانی اصلی این برنامه در باب قضاوت و نیل به فهم دقیق از رویکرد توسعه‌ای این برنامه در باب مؤلفات رشد قضاوت و داوری در کشور است. ضرورت انجام این تحقیق نیز علاوه بر اینکه بر غنای کیفی و کمی ادبیات مطالعات انتقادی

نشانه‌شناختی و چند رسانه‌ای دیگر مرتبط با دلایل معنایی» (ون دایک به نقل از سلطانی، ۲۰۰۵: ۵۸). در این تحقیق برنامه "نود" به مثابه یک گفتمان و رویداد ارتباطی در نظر گرفته شده است که در آن هر برنامه جنبه‌های مختلف یک رویداد ارتباطی را پیاده می‌کند. مصاحبه‌ها، کلیپ‌های پخش شده در برنامه، گفت‌وگوها جزء رویدادهای ارتباطی ویژه در این برنامه است.

اما در باب مطرح بودن گفتمان در رسانه‌ها، لازار باور دارد که می‌توان گفتمان رسانه‌ها را به عنوان مجموعه تفسیرهایی که به موضوعی معنا می‌بخشد قلمداد کرد. ساختار درونی این گفتمان‌ها یعنی ساختارهای رسانه‌ای، جهان را هم برای خبرنگاران که تشریح و توصیف آن را به عهده دارند و هم برای ما که به گزارش‌های آنها چشم دوخته و اعتماد می‌کنیم، سازمان می‌دهند. این ساختار مستلزم وجود مواضع مختلفی است تا بتواند ضمن ایجاد تنوع لازم، رضایت اکثریت را تأمین کند (لازار، ۲۰۰۱: ۸۷-۸۶). از این رو تحلیل‌گران گفتمان بر این باورند که عقاید قوی بر متون رسانه‌ای خاصی مقدم نیستند، بلکه در هر مورد از کاربرد زبان، ساخته و تجدید خواهند شد. هر متنی بالقوه مهم است و ارزش مطالعه و بررسی را دارد (ماتسون، ۲۰۱۳: ۱۱-۱۰). ماتسون می‌گوید هر موقع تحلیل گفتمان بر پایه سنت تحلیل متن بنا شده، موفق‌تر بوده است؛ یعنی موقعی که از میراث جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و فلسفی‌اش با نگاه به نحوه استفاده از زبان برای فهم جهان و رتق و فتق امور در تعاملات روزمره بهره گرفته است (ماتسون، ۲۰۱۳: ۲۰-۱۶). به همین دلیل کاربست تحلیل گفتمان در برنامه‌های رسانه‌ای می‌تواند در شناخت نقش زبان برای برساخت معنا کمک کند.

قضاوت

تعریف قضاوت در علوم شناختی بدین ترتیب است که قضاوت یک فرآیند شناختی است که قضاوت‌کننده براساس مجموعه‌ای از اطلاعات (نشانه‌ها) که می‌تواند ببیند، نتیجه‌ای را درباره چیزی که نمی‌تواند ببیند می‌گیرد (فرهاد بیگی و دیگران، ۲۰۱۱: ۷۲-۷۱). در کتاب ترمینولوژی حقوق در خصوص این لغت آمده است: «کسی که به شغل قضا و فصل خصومت و ترافع اشتغال دارد، در همین معنی دادرسی نیز استعمال می‌گردد. قاضی در اصطلاح فقه، کسی است که میان مردم

در حوزه ارتباطات به ویژه در حوزه ورزش و رسانه می‌افزاید به فهم تأثیری که رسانه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی در شناخت ضعف‌ها و شکاف‌های حوزه داوری در فوتبال دارند کمک می‌کند. ازین رو انجام تحقیق‌هایی از این دست، بستری را مهیا می‌کنند تا با شکل‌گیری برنامه‌های مختلف که به حواشی ورزش بپردازند و نقاط ضعف و قوت یک مسئله از جمله داوری را بررسی کند، باعث ایجاد بستری برای توسعه ورزش شوند. اما سؤالاتی که این تحقیق به آن پاسخ می‌دهد، این است که این برنامه (۱) چگونه به نقد قضاوت یا داوری در فوتبال کشور می‌پردازد؟ (۲) دل‌های مطرح شده از جانب هریک از فاعلان شرکت‌کننده این برنامه چیست؟ (۳) برنامه حاضر چه اپیزودهای معنایی را برجسته می‌کند یا به بیان فرکلاف ارزش‌های تجربی متن کدامند؟ (۴) نحوه فرموله شدن گفتمان‌ها (نظام گفتمانی) در این برنامه در باب قضاوت به چه صورت است؟

چارچوب نظری و مفهومی

گفتمان

گفتمان عبارت است از کاربرد زبان در رابطه با صورت-بندی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زبانی که بازتاب‌دهنده نظم اجتماعی است و درعین حال به نظم اجتماعی و کنش متقابل افراد جامعه شکل می‌دهد (فرکلاف، ۲۰۱۰: ۱۱۹). از دیدگاه لاکلا و موفه گفتمان جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد. این ساختن از طریق زبان که ماهیتی بی‌ثبات دارد انجام می‌شود. زبان، هم در ایجاد واقعیت و هم در بازنمایی آن نقش اساسی دارد. دسترسی به واقعیت، تنها از طریق زبان ممکن است و هیچ واقعیت پیشینی و از قبل تعیین‌شده‌ای وجود ندارد. تغییر در گفتمان‌ها سبب تغییر در کل نظام اجتماعی می‌شود. از این روی، نزاع گفتمانی به ایجاد، تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود (مقدمی، ۲۰۱۱: ۹۳). به طور کلی «تمامی رویکردهای گفتمانی، گفتمان را تثبیت معنا در یک قلمرو مشخص تعریف کرده‌اند (یورگنسن و فیلیپسن، ۲۰۱۴: ۲۳۰).

علاوه بر این «فرکلاف» از مفهوم گفتمان به سه معنای متفاوت استفاده می‌کند؛ گفتمان در انتزاعی‌ترین شکل خود به کاربرد زبان به مثابه رویه اجتماعی اشاره دارد. در معنای دوم، گفتمان نوعی کاربرد زبان در یک حوزه خاص است و سوم که عمدتاً در موارد انضمامی به کار برده می‌شود، گفتمان اسمی قابل شمارش است که به روش سخن‌گفتنی اطلاق می‌شود که به تجربیات برآمده از منظر خاص معنا می‌بخشد (یورگنسن و فیلیپسن، ۲۰۱۴: ۱۱۰). منظور از گفتمان در اینجا یک رویداد ارتباطی است از جمله «تعامل محاوره‌ای، متن نوشتاری، حرکات بدن و سر و دست، طرح صفحه‌بندی، تصاویر و جنبه‌های

1. Lazar

2. Matson

شرط‌بندی و تغییر نتایج بوندس‌لیگا بازداشت می‌کنند. همه موارد ذکر شده، حاکی از توجه بیش از حد مردم و رسانه‌ها به موضوع داوری است (عبدی و همکاران، ۲۰۰۹:۱۲۰).

در دنیای ورزش، داور اگر عملکرد خوبی نداشته باشد، تمامی انتقادات به سوی او خواهد بود. در حالی که حتی اگر بهترین عملکرد خود را نیز در بازی نشان دهد، باز هم به او توجهی نمی‌شود. داوران در رشته‌های ورزشی سه نقش متفاوت دارند:

۱) به عنوان میانجی، درگیر بحث و گفت‌وگوها می‌شوند و درصد حل تنش به وجود آمده بین دو فرد یا دو گروه برمی‌آیند که اغلب تمایلات ناسازگارانه‌ای با هم دارند.

۲) به عنوان قاضی، که به کارگیری قوانین و اتخاذ تصمیماتی را به دنبال دارد.

۳) به عنوان مدیر، مسئولیت را به عهده می‌گیرد و تمامی عوامل درگیر در بازی را مدیریت می‌کند. دو طرف بازی در مسابقات ورزشی، موقعیت‌های مسابقه را به طور متفاوت درک می‌کنند و اغلب این تفاوت‌ها در ورزش به تعارض‌هایی می‌انجامد. وظیفه داوران حل این تعارض‌هاست (احمدی و محمذاده، ۲۰۰۹:۴۸).

همه این موارد نشان می‌دهد که قضاوت رویدادهای ورزشی نیز حرفه‌ای پرچالش، مهیج و ارزشمند است (وینبرگ و ریچاردسون، ۲۰۱۱) و داوران فوتبال در حالی مسئولیت نظارت و قضاوت بر اعمال و خطاهای بازیکنان را دارند که افزایش اهمیت اقتصادی مسابقات فوتبال و نقش بسیار تعیین‌کننده داوران در درآمدهای حاصل، آسیب‌های جسمانی و روانی داوران را به‌طور فوق‌العاده افزایش داده است و داوران در معرض سرخوردگی، بدرقتاری و بی‌حرمتی قرار دارند (غلامیان و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۴۳-۱۴۲). از سوی دیگر، وینبرگ و ریچاردسون (۲۰۱۱) بیان کردند که تجربه مثبت یا منفی داور در زمین مسابقه، به رویکرد روانی وی در حین قضاوت بستگی دارد.

در رابطه با عملکرد ضد و نقیض داوران و دلایل این کار مطالعات بسیاری انجام گرفته است که در مواردی از آنها، محقق سعی در رسیدن به این است که داوران چگونه به نفع تیم میزبان قضاوت می‌کنند. به عنوان مثال پژوهش‌های نیل و همکاران (۲۰۰۲)، دوهمن (۲۰۰۳)، شوتر و کوچر (۲۰۰۴)، گاریکانو و همکاران (۲۰۰۵). یکی از نتایج اصلی در مورد پارتی بازی این است که داوران توسط تماشاگران تحت تأثیر قرار می‌گیرند. علاوه بر این، مجرب شدن داوران باعث کاهش پارتی‌بازی می‌شود؛ اما داوران همین که پا به سن می‌گذارند، نگران حرفه خود می‌شوند و ممکن است به سمت سوگیری و

حکومت کند و در مورد اختلاف و نزاع، فصل خصومت نماید.» (جعفری لنگرودی، ۱۹۹۳: ۳۷۲).

کمیسیون ورزش استرالیا داوران ورزشی را چنین معرفی می‌کند: «هر فردی که بازی واقعی را در یک رقابت با به‌کارگیری قوانین و مقررات ورزش برای قضاوت و صدور رای در زمان نقض قانون، اجرای عملکرد ورزشی، مدت زمان بازی یا امتیاز تیم‌ها کنترل کنند، داور ورزشی نامیده می‌شود.» کمیسیون ورزش استرالیا اضافه کرد که داوران، نقش کلیدی برای اطمینان از «برگزاری بازی‌ها و رویدادها در سایه قوانین» دارند. بر اساس ماهیت نقش‌های داوران در تمام ورزش‌ها، ورزش و سرگرمی نیوزلند، داوری ورزشی را به صورت نقش‌های فعال، نشسته یا با فعالیت کم، اندازه‌گیری زمان یا مسافت و یا قضاوت طبقه‌بندی کرده است (مطهری، ۲۰۱۳: ۳۷).

اهمیت قضاوت (داوری)

اهمیت این بحث از بدنه جامعه ورزشی به حدی است که خیلی از رشته‌های ورزشی به ویژه فوتبال توجه خاصی به آن کرده‌اند. بر اساس ارزیابی فدراسیون بین‌المللی فوتبال در سال ۲۰۰۶ میلادی، بیش از ۸۴۰ هزار داور و کمک داور ثبت شده در عرصه فوتبال مشغول فعالیت هستند (بیزینی، ۲۰۱۰: ۱۰)؛ داوران فوتبال، اغلب با نام‌لامتی‌ها، بی‌احترامی‌ها، بدرقتاری‌ها و بسیاری از واکنش‌های منفی روبه‌رو هستند؛ یک اشتباه داوری و تغییر نتیجه گاه باعث خشونت علیه داور از جانب بازیکنان و کادر مربیگری و گاه باعث پرخاشگری بیش از حد تماشاگران می‌شود. بی‌جهت نیست که قضاوت را مترادف با جنگ می‌دانند، زیرا داوران به خاطر آشوب تماشاگران و پرخاشگری بازیکنان در معرض آسیب‌های جدی و حتی مرگ قرار دارند. به عنوان مثال در سال ۱۹۶۴ طی یک بازی فوتبال در شهر لیما در پرو، یک سوت جنجال برانگیز منجر به نزاعی شد که طی آن ۳۱۸ نفر از جمله داوران آن بازی کشته شدند (گاردینر و فلیکس، ۱۹۹۵: ۱۹۲).

اغلب اوقات در رقابت‌ها، دو طرف یک مسابقه، موقعیت‌های مسابقه را به طور متفاوت درک می‌کنند و معمولاً این تفاوت‌ها در ورزش، به تعارض‌هایی می‌انجامد و وظیفه داور، حل این تعارض‌ها است. امروزه، روزنامه‌های ورزشی اشتباهات داوران را تیتیر کرده و از آن به عنوان فاجعه قلمداد می‌کنند. گاهی نیز به برخی از داوران بر چسب رشوه‌گیری و حمایت از تیم خاصی زده می‌شود؛ برای مثال در کشوری مانند آلمان، داور را به جرم

بیتا عرب نرمی (۲۰۱۸) نیز در مقاله "تلویزیون و توسعه ورزش؛ مطالعه‌ای با رویکرد نظریه گفتمان" در پی پاسخ به این سؤال است که تلویزیون چه تعریفی از توسعه ورزش در جامعه مطرح و آن را نقد، تفسیر و ترویج می‌نماید. بدین منظور طیفی از متون تلویزیونی، گفت و گوها و مشاهدات مورد بررسی قرار داده شد و ارتباط بین نشانه‌ها بر اساس توصیف مفاهیم نظریه گفتمان لاکلا و موفه (۱۹۸۵) تبیین گردید. مهم‌ترین دستاورد این تحلیل، شناسایی دو گفتمان ورزش نخبگی و گفتمان ورزش مشارکتی به‌عنوان دو گفتمان متقابل در تلویزیون بود؛ تحلیل مصاحبه‌ها و متون تلویزیونی نشان داد، مفاهیمی همچون توسعه، ورزش، ورزشکار، بودجه و امکانات، معنای خود را از گفتمان ورزش نخبگی دریافت می‌کنند و گفتمان ورزش نخبگی در رسانه، گفتمان ورزش مشارکتی را به حاشیه رانده است.

بویوکانتارسی اوغلو (۱۹۹۹) نیز به بررسی گزارش انتقادی منتشر شده در روزنامه "ملیت" پس از یک مسابقه فوتبال بین-المللی بین ترکیه و مولداوی در سال ۱۹۹۹ پرداخت. این کار یک رویکرد مطالعه انتقادی گفتمان و دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی برای ایجاد یک چارچوب ایدئولوژیک در متن و نشان دادن عملکردهای ایدئولوژی در گفتمان اتخاذ کرد. او اشاره به انتخاب عمدی سازه‌های واژگانی، نحوی و معنایی در گفتمان فوتبال کرد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش کیفی و رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان صورت گرفته است. تحلیل گفتمان هم صورت خاصی از کاربرد زبان است و هم صورت خاصی از تعامل اجتماعی؛ از همین رو تحلیل گفتمان، پدیده‌های فراتر از جملات را مد نظر قرار می‌دهد. تحلیل گفتمان روشی است برای دریافت معنای نهفته در متن‌ها و تحلیل آنها، از همین رو متن و حوزه‌های معنایی آن که در ارتباط با سایر زمینه‌های اجتماعی است را مورد مطالعه قرار می‌دهد. به زعم کریمی فیروزجایی و یزدان‌پرست (۲۰۱۸) زبان در این تحلیل به مثابه نوعی کنش اجتماعی تلقی می‌شود که می‌توان از دل آنها کردارهای اجتماعی، بزرگنمایی، تحریف هویتها و تداوم فرآیندهای اجتماعی را بیرون کشید.

لذا در پژوهش حاضر سعی می‌کنیم که از تحلیل انتقادی گفتمان برای تبیین موضوع استفاده کنیم و به وسیله آن متن را و اسازی سازیم. نمونه‌گیری در تحقیق‌های کیفی معمولاً به صورت هدفمند انتخاب می‌شود. در نمونه‌گیری هدفمند پژوهشگر واحدهای نمونه‌گیری را به صورت ذهنی و با هدف قبلی انتخاب می‌کند و این ذهنیت و هدف داور است که احتمال انتخاب یک واحد نمونه‌گیری را برای نمونه معین می‌کند. بر

جانبداری حرکت کنند. وقت اضافی در پایان نیمه دوم به عنوان یک شاخص برای سوگیری داور استفاده می‌شود. علاوه بر این، تعدادی از "گل‌های گرفته شده یا اهدایی" و "پنالتی" و یا "ضربه‌های پنالتی اشتباه" و سایر اشتباهات به نفع یک تیم برای آزمایش پارتی‌بازی استفاده می‌شود. اما این که چگونه یک داور، نتیجه یک بازی را تحت تأثیر قرار می‌هد اغلب مورد بررسی قرار گرفته نشده است. با این حال، بیشتر مطالعات بر سوگیری داور متمرکز شده است (پولکامپ، ۲۰۱۴: ۵).

در این بین پژوهش نویل و همکاران (۲۰۰۲) استثنا بود. فرضیه آنها این بود که رابطه‌ای بین تجربه یک داور و سوگیری او وجود دارد. دوهمن (۲۰۰۳) نیز به مطالعه رفتار داوران در فوتبال حرفه‌ای آلمان پرداخت و پنداشت که رابطه‌ای به عنوان عامل اصلی بین هیئت حاکمه و داوران وجود دارد. او به این نتیجه رسید که یک فضای اجتماعی خاص، مانند فضای فوتبال، می‌تواند داوران را متقاعد به تصمیم‌گیری‌ای کند که نه در جهت منافع اصلی آنها و نه به نفع خودشان باشد. او از اطلاعات موجود در مورد زمان اضافی در پایان نیمه دوم، گل‌های گرفته شده و ضربات پنالتی و همچنین قدرت تیم‌ها و دیگر داده‌های قاطع مثل کارت زرد و قرمز استفاده کرد. دوهمن (۲۰۰۳) کشف کرد که طول زمان آسیب یا اضافی در نیمه دوم در انتهای بازی بسیار طولانی است. او فرض می‌کند که طرفداران تصمیم داور را تحت تأثیر قرار داده و این امر به این دلیل است که بین یک استادیوم بدون تماشاگر و بدون جایگاه تماشاچی و یک استادیوم مملو از تماشاگر فرق وجود دارد (دوهمن، ۲۰۰۳).

علاوه بر این حوزه تحلیل گفتمان، ورزش و رسانه نیز تحقیقاتی صورت گرفته است؛ به عنوان مثال رحمان صحراگرد و صلاح‌الدین رحیمی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل گفتمان انتقادی گزارش‌های فوتبال: مورد وبسایت رسمی رئال مادرید" به بررسی چهار گزارش فوتبال، در این وبسایت پرداختند. دو مورد در باب پیروزی‌های رئال مادرید و دو بازی در باب شکست‌ها بود که در بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ لیگ قهرمانان اروپا انتخاب شد. با توجه به تحلیل نتایج نشان داد پس از برد یک بازی، نویسنده تمایل دارد خوانندگان را به شیوه‌ای متفاوت خطاب کند، مثلاً اغراق کردن درباره قدرت تیم، فرصت‌ها، جوایز، امتیاز گلزنی و هر چیزی که به نوعی متن را برای خواننده لذت‌بخش‌تر کند. پس از باخت یک بازی نیز نویسندگان عمدتاً بر تیم رئال مادرید تمرکز می‌کنند و صرف نظر از نتیجه بازی، نویسندگان تمایل دارند تا برخی از رویدادهای برجسته و قابل توجه را به نفع سفیدپوستان مصادره به مطلوب کنند.

گفت‌وگو نمایند. در واقع علت عمدۀ انتخاب پرداختن به کنه وضعیت قضاوت از دریچه گفت‌وگو و مناظره است. این دو برنامه به صورت مشاهده برنامه‌ها انتخاب گردید که موضوع اصلی آنها عبارت است از:

این اساس تعداد دو برنامه با درون‌مایه قضاوت به عنوان حجم نمونه این پژوهش انتخاب شد. دلیل انتخاب این دو برنامه پرداخت تخصصی و کارشناسی به مقوله قضاوت و داوری است به طوری که در این برنامه کارشناسان و داوران متخصص دعوت شدند تا در باب مشکلات قضاوت و ریشه‌های آن

جدول ۱- برنامه‌های منتخب

Table 1- Selected Programs

موضوع برنامه	زمان
۱. عملکرد داوری و دلایل اشتباه داوری	۱۸ آبان ۱۳۹۴
۲. دلایل عملکرد ضعیف داوری و کمیته داوران	۱۱ اسفند ۱۳۹۲
از آنجایی که این پژوهش با استفاده از دیدگاه‌ها و شیوه تحلیلی معروف‌ترین تحلیل‌گران انتقادی گفتمان یعنی ون دایک، فرکلاف و لاکلا و موفه سامان یافته است، متغیرها و مقوله‌های مورد استفاده در تحلیل انتقادی گفتمان و متون رسانه‌ای برای تحلیل انتقادی گفتمان برنامه تلویزیونی "نود" عبارتند از:	دیگر می‌دانیم که آن دال به واقع به چیزی کاملاً متفاوت و متضاد دلالت می‌کند.
ون دایک:	نقل قول: نقل نوشتار با گفتار شخص حقیقی یا حقوقی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم جهت مستند ساختن متن و مجاب ساختن مخاطب.
واژگان: واژگانی که یک گوینده با نویسنده به کار می‌برد دقیقاً با قدرت، موقعیت سیاسی، اجتماعی و اخلاقی او و یا به عبارت دقیق‌تر با وزن اجتماعی او سنجیده می‌شود. اینکه فرد چه واژه یا کلمه‌ای را برای بیان مقصود خود برگزیند، تا حدود بسیار زیادی به موقعیت شخصی، اجتماعی و سیاسی او بستگی دارد.	چشم‌انداز (منظر): هر متنی از چشم‌انداز و منظری خاص سخن می‌گوید؛ چشم‌اندازهایی مانند دموکرات، آزادی‌خواه، اومانیست و... در متن می‌توان دریافت که نویسنده از چه منظری به قضایا می‌نگرد.
گزاره‌های اصلی: گزاره‌های اصلی یا جملات کلیدی، جان‌مایه‌های متن هستند و مواضع گوینده یا نویسنده متن را به طور صریح یا ضمنی درباره موضوع بیان می‌کنند.	پیش‌فرض‌ها: مفروضات ذهنی که مسلم فرض می‌شود و بر قضاوت و داوری فرد و تعریف و مفهوم‌سازی او از واقعیت تأثیر می‌گذارد.
استعاره: استعاره یکی از راه‌های انتقال معناست. در استعاره، رابطه میان چیزها از راه قیاس مطرح می‌شود.	فرکلاف:
کنایه: در نشانه‌ای که کارکرد کنایه‌ای دارد نیز مانند استعاره، دال به یک چیز اشاره می‌کند، اما از طریق دالی	اپیزود معنایی: مقصود از اپیزود معنایی این است که متن چه درکی از جهان به دست می‌دهد- عقاید و دانش‌هایی که در متن نشان داده شده چه هستند-
لاکلا و موفه:	نظم گفتمانی: گفتمان‌هایی است که گفتمان خاصی را شکل می‌دهند و نظامی که گفتمان را در نقطه زمانی معینی تعریف و مرزبندی می‌کند (فرکلاف، ۲۰۱۰: ۱۴۵).
مفصل‌بندی: مفصل‌بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه پیدا می‌کنند. به بیان دیگر، مفصل‌بندی‌ها عبارتند از مداخلات تصادفی در یک حوزه تصمیم‌ناپذیر	نظم گفتمانی مجموع تمام ژانرها و گفتمان‌هایی است که در یک قلمرو مشخص اجتماعی به کار گرفته شده است
دال مرکزی: به شخص، نماد، یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، «دال مرکزی» می‌گویند.	دال شناور (عناصر و دقایق): دال‌ها و عناصری که درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و موقتاً به هویت و معنایی دست یافته‌اند.
	این معانی و هویت‌ها کاملاً تثبیت شده نیستند و امکان تغییر آنها از طریق مفصل‌بندی‌های تازه وجود دارد (مهدیزاده، ۲۰۱۵: ۱۱۸).

➤ **منظر:** آقایان غیائی، خسروی و ممبینی از چشم‌انداز منتقدان وضعیت داوری و نحوه اداره و سازماندهی کمیته داوران و داوران به موضع می‌نگرند و تمام صحبت‌های خود را علیه وضعیت موجود سازمان می‌دهند و گاه به دلیل پیشینه داوری خود به ارائه پیشنهاداتی برای بهبود این وضعیت می‌پردازند. آقای اصفهانیان به دلیل موضع و مقام خود در کمیته داوران سعی می‌کند که از منظر حامی وضع موجود به این رویداد نگریسته و فضایی آرمانی و خوب را برای داوران جلوه دهد؛ به همین دلیل گزاره‌های بیان شده از منظر او در نقطه مقابل با سایر **منظر:** آقایان غیائی، خسروی و ممبینی از چشم‌انداز منتقدان وضعیت داوری و نحوه اداره و سازماندهی کمیته داوران و داوران به موضع می‌نگرند و تمام صحبت‌های خود را علیه وضعیت موجود سازمان می‌دهند و گاه به دلیل پیشینه داوری خود به ارائه پیشنهاداتی برای بهبود این وضعیت می‌پردازند. آقای اصفهانیان به دلیل موضع و مقام خود در کمیته داوران سعی می‌کند که از منظر حامی وضع موجود به این رویداد نگریسته و فضایی آرمانی و خوب را برای داوران جلوه دهد؛ به همین دلیل گزاره‌های بیان شده از منظر او در نقطه مقابل با سایر کارشناسان است. مجری نیز به دلیل توالی اشتباهات داوری در بازی‌های لیگ و له تیم پرسپولیس سعی می‌کند به مطالبه درخواست‌های هواداران و داوران و کم‌توجهی به آنان بپردازد.

✓ **نقل قول:** در این برنامه فاعلان هیچ گونه نقل قولی برای قوت بخشیدن به گزاره‌های خود استفاده نکرده‌اند.

➤ **پیش‌فرض:** در گفتمان این برنامه پیش‌فرض‌های زیر را می‌توان از لابه‌لای گفت‌وگوها تفسیر کرد:

پیش‌فرض ۱: مشکلات اصلی داوری در کشور ما مربوط به عدم صلاحیت و غیر مطلوب بودن مدرسان داوری است.

پیش‌فرض ۲: نحوه اداره کمیته داوران منسوخ شده و قدیمی است و چیدمان داوری برای قضاوت صحیح و اصولی نیست.

پیش‌فرض ۳: وضعیت و کیفیت داوری در کشور ما بسیار بد است و آزمون‌های داوری نیز به صورت صحیح از داوران برگزار نمی‌شود.

— **نشانه تثبیت شده (هژمونیک):** نشانه‌هایی که بر سر معنای آنها کشمکش وجود ندارد و یا کمتر کشمکش وجود دارد و معنای مورد توافقی دارند (مه‌دیزاده، ۲۰۱۵: ۱۱۸)

عناصر، دال‌های شناوری هستند که در درون یک گفتمان جای نگرفته‌اند. دقایق دال‌هایی‌اند که در درون یک گفتمان و حول دال مرکزی به طور موقت و نسبی، تثبیت شده‌اند (مقدمی، ۲۰۱۱: ۹۳). **تحلیل یافته‌ها: برنامه نخست:**

تاریخ: ۱۸ آبان ۱۳۹۴

موضوع: عملکرد داوری و دلایل اشتباهات داوری

فاعلان این رویداد-کنش و نسبت میان آنها عبارت است از:

➤ **عادل فردوسی‌پور:** مجری

➤ **رضا غیائی:** مدرس و کارشناس داوری

➤ **علی خسروی:** کارشناس داوری

➤ **هدایت ممبینی:** کارشناس داوری

➤ **فریدون اصفهانیان:** رییس کمیته داوران

✓ **واژگان:** مثبت: تحمل / قضاوت صحیح / مجرب / چیدمان

داوری / سیاست‌گذاری / جامعه داوری / قانونی / کارا / افراد خبره /

✓ **استعاره:** در این گفت‌وگوها از استعاره استفاده نشده است و افراد بدون تکلف سعی در متبادر کردن معنای مد نظر خود داشتند.

✓ **کنایه:** چرا می‌گوئید ما رئیسی برای کمیته داوران استفاده کردیم که مثل استخوان تو گلوی ما گیر کرده است /

منفی: فربه / غیر آماده / عدم صداقت / سلاخی / سنتی / بدون

سیستم / خیانت / اضافه وزن / شبهه‌برانگیز / مهندسی شده / منسوخ /

گزاره‌های کلیدی: که داوران ما داورانی فربه و غیر آماده

هستند / باشگاه‌ها نیز درباره قضاوت صحیح باید با داوران هم

کاری کنند / در بحث چیدمان داوری ما تک تک داورانمان را

سلاخی کردیم / کمیته داوران به نحوی سنتی اداره شده است و

دارای سیستم نیست / فدراسیون فوتبال و هیئت رئیسه با کمیته

داوران روراست نیست / اگر آزمون درستی از داوران گرفته می‌شد

افرادی که دارند قاعدتاً نمی‌توانستند از این آزمون نمره قبولی

بگیرند / کلاس‌های آموزشی زیاد کارا نیستند و مدرسین نیز افراد

خبره‌ای نیستند / ما با به وسیله فشار هیئت‌ها داور می‌آوریم /

کیفیت داوری در کشور ما بسیار پایین است / وضعیت داوری ما

بسیار خراب است /

تحلیل برنامه

در این برنامه آقای اصفهانیان به دلیل جایگاه شغلی و سمت خود و وابستگی نهادی‌اش به دولت سعی در بی‌اعتبار جلوه دادن سایر مشارکان و نشان دادن فضای نسبتاً آرمانی در جامعه داوری کشور است. غیائی نیز در این گفت‌وگو به انتقاد از دپارتمان و کمیته داوری پرداخت. او در گفته‌های خود با استفاده از زنجیره واژگانی با بار معنایی منفی "نا آماده، فربه، اشتباه" سعی کرد تا این معنا را به ذهن متبادر سازد که ویژگی‌های منفی داوران همه ریشه در عملکرد کمیته داوران دارد و به همین دلیل داوران فربه نیز می‌توانند از این آزمون‌ها با موفقیت بیرون بیایند. وی در گفته‌های خود به نقد قدرت و سوء استفاده از قدرتی پرداخت که مسئولان کمیته داوران به وسیله جایگاه خود و دسترسی به منابع قدرت سعی در استفاده شخصی خود از این منابع دارند و اثر منفی آن باعث تأثیر مخرب بر عملکرد داوران شده است. او در گفته‌های خود با بیان لزوم جذب مدرسین طراز اول ضمن تأکید بر بعد آموزشی، به صورت تلویحی نیز نحوه اداره کمیته داوران را نقد کرد و گفت:

اگر قرار است داوران مجرب به دلیل ناآمادگی اشتباه انجام دهند بهتر است داوران جوان را جایگزین کنیم تا اگر هم اشتباه می‌کنند تجربه کسب کرده و آینده داوری را بسازند. باشگاه‌ها نیز درباره قضاوت صحیح باید با داوران هم کاری کنند و به بازیکنان جوان یاد بدهند که داوران جوان را تحمل کنند.

در این گفته وی بر دال شناور آینده‌نگری نظر دارد و سعی می‌کند معنای مورد نظر خود را به آن بچسباند و این گونه به مخاطبان نشان دهد که آینده داوری در گروی استفاده از جوانان است و آینده‌سازی و آینده‌نگری در گفتمان مد نظر او دارای یک زنجیره معنایی هم‌ارز با "جوان‌گرا بودن" است.

خسروی نیز در این گفت‌وگو سعی می‌کرد با تمهیدات گفتمانی - کنایی به نحوی معنادار ضعف این نهاد دولتی را به همگان نشان دهد. او در گفته‌های خود بیان کرد: "هیچ سالی مثل امسال نبوده و اصلاً سنگ به روی سنگ بد نیست" و او در اینجا به طور کنایی وضعیت بد کمیته داوران را در سال جاری گوشزد کرد و به‌طور ضمنی این معنا را به ذهن متبادر کرد که آشفستگی بیش از حدی در این کمیته وجود دارد.

او در گفته‌های خود سیستم مدیریت سنتی را نوع خطرناکی برای حرفه داوری و قضاوت می‌داند و رئیس کمیته داوران را به نوعی قومیت‌پرستی [در اینجا تهرانی‌ها] محکوم می‌کند و با استفاده از دال مردم سعی می‌کند که به نوعی از این گفتمان قومیتی در نزد وی اعتبارزدایی کرده و همه را برابر فرض کند. انسجام ضمنی گفته‌های او این معنا را متبادر می‌کند که یکی از دلایل عمده ضعف قضاوت، توجه نکردن به شهرستان‌هاست و تمرکززدایی کردن از تهران می‌تواند به موفقیت حرفه‌ای داوری کمک شایانی کند. در گفتمان قضاوت مد نظر او صداقت و درستکاری حرف اصلی رو می‌زند و معتقد است که رئیس کمیته داوران باید فراتر از زدوبندهای نهادی باشد و بتواند نحوه چیدمان داوران را درست کند. او با استفاده از واژه "سلاخی کردن" نیز بار دیگر به نحوه مدیریت حمله کرده و داوران را به مثابه قربانیانی در نظر گرفته است که در حال از بین رفتن به بدترین شکل ممکن هستند. وی همچنین کار جمعی را بر فردی ارجحیت می‌دهد و معتقد است که اگر کار مفیدی صورت می‌گیرد باید در خدمت تمام اجتماع و جامعه باشد نه در خدمت فردی به خصوص.

اصفهانیان در این گفت‌وگو از تمهید گفتمانی "انکار" استفاده می‌کند تا به ارائه تصویری مثبت از عملکرد خود و کمیته داوران پرداخته و از طریق علاقمند نشان دادن خود به بهبود وضعیت داوری به نحوی به رفع اتهام از خود پرداخته و گفته‌های طرف مقابل را بی‌اثر کند. او از زنجیره‌ای واژگانی متشکل از "داوران سلامت، اعتقاد، مهندسی نشده، احساسی بودن هواداران و..." استفاده کرد تا به حواشی مربوط به ناسالم بودن داوران و دخالت دیگران در پرونده قضاوت غلط آنها پایان داده و با احساسی خطاب کردن هواداران فوتبال، به نحوی ذهنیت آنها و مخاطبان را به غیر معقول بودن گفته‌های هواداران معطوف کند. اصفهانیان در گفته‌هایش در بیان برخورد با داوران خاطی بیان کرد:

"ما آیین‌نامه داریم و اگر داوری مشکل داشته باشد طبق نمره ناظر و مطابق با آیین‌نامه با آنها رفتار شده و شامل جریمه و محرومیت می‌شوند"

مصرحات این متن دال بر اهمیت قانون در نزد وی است. وی در بیان گزاره‌های موردی در دفاع از خود با استفاده از طفره رفتن و پراکنده‌گویی و مصادره به مطلوب سعی در رفع

در مورد مدرسانی که شما می‌آوردید در محافل ورزشی بحث زیادی بوده است. اول اینکه کلاس‌های آموزشی زیاد کارا نیستند و مدرسین نیز افراد خبره‌ای نیستند.

مصرحات این متن نشان از نقد وی بر مدیریت آقای اصفهانیان دارد و ارزش‌های ایدئولوژیک که قدرت و عملکرد این نهاد به خصوص را نقد می‌کند در گفتارهایش حاکم است. وی با استفاده از واژگان "خبره و کارا"، لزوم توجه به آموزش‌های مطلوب و دارای فایده و همچنین مدرسین با تجربه و طراز اول را مد نظر قرار می‌دهند. فردوسی‌پور در نطق پایانی خود با واژه‌های "خراب"، "من‌درآوردی" ضمن حمله به وضعیت داوری، نحوه مدیریت و قانون‌گذاری در این نهاد را نیز مورد حمله خود قرار داد.

- **گفتمان:** قضاوت تنها گفتمانی است که در میان مشارکان برجسته شده است و آنها گفتارهای خود را بر محور این گفتمان بنا می‌کنند.
- **دال اصلی:** دال اصلی گفتارهای مجری (فردوسی‌پور) مدیریت است و او در جای جای گفتارهایش به نحوی ضمنی و تلویحی سعی در بیان آن دارد. دال اصلی گفتمان قضاوت از منظر ممبینی حول "مدیریت" مفصل‌بندی می‌شود. دال اصلی گفتمان آقای غیائی مطلوبیت قضاوت است که دال‌های شناوری را حول خود مفصل‌بندی می‌کند: دال اصلی گفتمان مد نظر آقای خسروی مدیریت است که سایر دال‌های شناور را حول خود مفصل‌بندی می‌کند. این دال دارای اهمیت کلیدی در انسجام‌دهی و معنابخشی به سایر دال‌های گفتمان می‌باشد.
- **دال شناور (وقته‌ها):** غیائی: دال آموزشی، دال مدیریتی و دال آینده‌نگری.
- **خسروی:** دال اجتماع‌محور، دال مدیریتی، دال مردم‌محور و دال صداقت.
- **ممبینی:** دال آمادگی جسمانی، دال خبره‌گرایی.
- **فردوسی‌پور:** دال قانون‌گذاری صحیح.
- **هژمونی:** تنها نشانه تثبیت‌شده‌ای که در این برنامه بین مشارکان مختلف وجود داشت و همه بر سر آن دارای اتفاق نظر بودند دال مدیریتی بود. اپیزودهای معنایی که در این برنامه برجسته شده‌اند عبارتند از:
 - اهمیت به گفتمان مدیریتی در کمیته داوران
 - لزوم انجام آزمون‌های استاندارد

مسئولیت از خود کرده و به نحوی گناه خود را به گردن سایر مسئولان در دوره‌های قبلی یا... بنماید یا اتهام‌هایی که علیه کمیته داوران و دپارتمان صورت گرفته را تضعیف کنند. به عنوان مثال او با استفاده از گزاره "حضور مسئولان در کلاس‌های داوری مسئله جدیدی نیست و در زمان مدیریت‌های قبلی نیز به همین نحو بوده است" به نحوی گناه خود را کوچک جلوه داده و به طبیعی‌سازی این امر نادرست مبادرت می‌ورزد.

ممبینی معتقد است که نحوه آزمون‌گیری و اداره کمیته داوران به نحوی غیر قانونی و غیراصولی است و همین امر است که باعث افول عملکرد داوران شده است. وی در گفته‌های خود بر این مهم پای می‌فشارد که لازمه اصلی داور موفق بودن، داشتن یک بدن آماده است. در ادامه ممبینی به لزوم مدیریت‌مندی کمیته داوران و همچنین آموزش افراد خبره مجرب اشاره کرد و اصفهانیان را به صورت غیر مستقیم به عدم کفایت و سو استفاده از جایگاه خود متهم کرد. او در گفتار بعدی خود نیز در مورد وضعیت داوری در کشور بیان کرد:

کیفیت داوری در کشور ما بسیار پایین است در حالی که کمیت زیادی داریم و بیش از ۱۰ هزار داور فعال داریم. ما با اعمال فشار توسط هیئت‌ها داور می‌آوریم و چون تعداد زیاد می‌شود به این داورها رسیدگی نمی‌شود. ما باید نخبه‌های داوری را به لیگ برتر بیاوریم.

مصرحات این گفتار سعی در کالبد شکافی علت اصلی ضعف و مشکلات داوری دارد که دال بر وجود نامطلوب بودن قضاوت فوتبال است. وی در اینجا به نحوی صریح قدرت موجود در کمیته داوران را که به سیاست‌گذاری و جذب داوران می‌پردازد مورد نقد قرار داد و با استفاده از واژه "فشار"، به نوعی این معنا را می‌رساند که دست‌های قدرتمند در کمیته داوران هستند که حرف اول و آخر را می‌زنند.

عادل فردوسی‌پور در این گفت‌وگو عملکرد ضعیف داوران که در چند هفته پیاپی رخ داده بود را شبهه‌انگیز خواند و با همین واژه سعی کرد دلیل اصلی این اتفاقات را جویا شود. او انتقادات خود را به صورت صریح و مستقیم به آقای اصفهانیان بیان می‌کرد و مدیریت او را به چالش می‌کشید. فردوسی‌پور در این باره گفت:

- آمادگی جسمانی داوران
- توجه به دال آینده‌نگری همراه با جوان‌گرایی
- لزوم توجه به دال (بعد) آموزشی و استفاده از مدرسین مجرب و نخبه
- اجتماع و مردم محور بودن کمیته داوران
- صداقت و شفاف بودن عملکرد کمیته داوران و دیپارتمان

جدول ۲- نظم گفتمانی

Table 2-The Order of Discourse

فاعلان	دال‌های مطرح شده	گزاره‌های بیان شده
غیائی (گفتمان قضاوت)	دال آموزشی، مدیریتی و آینده‌نگری.	ما در این مورد بایست از مدرسین خوب و طراز اول خارجی استفاده کنیم
نقد عملکرد کمیته داوران		باید کسی پیدا شود که از کمیته داوران پرسد این پول‌هایی که از قبال بدن داوران به دست آوردید را چه کردید
		داوران جوان را جایگزین کنیم تا اگر هم اشتباه می‌کنند تجربه کسب کرده و آینده داوری را بسازند.
خسروی (گفتمان قضاوت)	دال اجتماع محور، دال مدیریتی، دال مردم‌محور و دال صداقت	کمیته داوران به نحوی سنتی اداره شده است و دارای سیستم نیست
		داوری فوتبال برای همه مردم ایران است
		به نظر من درباره داوری نوعی عدم صداقت وجود دارد
ممبینی (گفتمان قضاوت)	دال آمادگی جسمانی (بدن)، دال مدیریتی و دال خبره‌گرایی	آمادگی جسمی یک از مهم‌ترین آیت‌ها است
		از وقتی آقای اصفهانیان رییس کمیته داوران شده است همه دربی‌ها رو خودشان به عنوان ناظر شرکت کردند در حالی که این کار امری منسوخ است
		ما باید نخبه‌های داوری را به لیگ برتر بیاوریم
فردوسی‌پور (گفتمان قضاوت)	دال مدیریتی، دال قانون‌گذاری صحیح	چرا شما و دبیر کل فدراسیون به داوران رسیدگی نمی‌کنید و احتیاجات آنها را بر طرف نمی‌کنید؟
		به نظر من وضعیت داوری ما بسیار خراب است؛ از تست‌ها و قانون‌های من‌درآوردی گرفته تا نحوه چیدمان داوری.

- برنامه دوم
تاریخ: ۱۱ اسفند ۱۳۹۳
- موضوع: دلایل عملکرد ضعیف داوری و کمیته داوران
- فاعلان این رویداد-کنش و نسبت میان آنها عبارت است از:
- عادل فردوسی‌پور: مجری
 - رضا غیائی: پیشکسوت داوری
 - حسین عسگری: رییس دیپارتمان داوری فدراسیون فوتبال
 - واژگان: منفی: اشتباه / مشکلات / اعتراض / رفتارهای غیر ورزشی / غیر مسئولانه / غیر قانونی / دروغ
 - مثبت: اجتناب‌ناپذیر / تعامل / سیاست‌گذاری / مقررات‌گذاری / توسعه فوتبال / آموزش / تصمیم‌سازی / توسعه داوری /
 - گزاره‌های کلیدی: رسانه‌ها، مطبوعات و افکار عمومی نقش به‌سزایی داشته‌اند/ برخی اشتباهات داوری اجتناب‌ناپذیر است/ ما باید مواردی را که در

دست یابد. آقای عسگری نیز در این گفت‌وگو از منظر فرد بی طرف به موضع می‌نگریست.

تحلیل برنامه

گفتارهای آقای غیائی در این گفت‌وگو به دو بخش تقسیم می‌شود، بخش نخست در جهت تشریح علت قضاوت نامطلوب داوران و بخش دیگر، انتقادهای صریح به عملکرد کمیته داوران. وی در گفتارهای ابتدایی خود به علت قضاوت نامطلوب داوران اشاره کرد و معتقد است اشتباه جز لاینفک قضاوت است. او بهره‌گیری از فناوری‌های داوران را از ملزومات داوران جهت قضاوت بهتر دانست. غیائی علاوه بر "ابهام‌افکنی" نسبت به "کفایت و کارایی" رئیس کمیته داوران مبنی بر دلخواهی عمل کردن وی، حضور غیر قانونی، عدم تسلط به زبان و... از شخصیت آقای اصفهانیان اعتبارزدایی کرده و اذهان مخاطبان را برای شنیدن مواضع شدید خوب نسبت به وی آماده می‌سازد. غیائی با استفاده از ساختار بیانی غیر مستقیم، آقای اصفهانیان را "دروغ‌گو" می‌نامد و با استفاده از شگرد گفتمانی سرزنش و مغالطه و ترور شخصیت با تعریض آقای اصفهانیان را دروغ‌گو و شخصیت او را غیر قانونی و خودمحور می‌خواند.

غیائی نیز در تقابل با سازوکارهای گفتمانی آقای اصفهانیان مانند "انکار، خنده تمسخرآمیز و..." با استفاده از شگرد جنگ روانی با دلخواهی و غیر قانونی خواندن اعمال آقای اصفهانیان و ایجاد فضایی ملتهب ناشی از ترس برای آینده داوران فوتبال، آگاهانه سعی می‌کند به هدف استراتژیک فردی خود یعنی پایان دادن به اعتبار و هژمونی عملکرد آقای اصفهانیان دست یابد. غیائی با استفاده از شگرد گفتمانی "تحریک" و با استفاده از اصطلاح کنایی "ماله کشیدن" با زبانی سرشار از تعریض، گفتارهای آقای اصفهانیان را "کتمان واقعیت" خوانده و او را به فردی تشبیه کرده است که سعی در خوب جلوه دادن مسائل دارد.

اصفهانیان نیز در این گفت‌وگو سعی می‌کند تا با شگردهایی گفتمانی مانند: "انکار، طفره رفتن، کلی‌گویی و..." به نوعی حملات آقای غیائی را خنثی کرده و نام‌گذاری و استناد به اساسنامه‌های مختلف و مثال از کشورهای پیشرفته فوتبال خود را فردی قانون‌مدار و طرفدار رشد و حرکت نشان دهد. اصفهانیان در گفتارهایش، از نقش‌نمای گفتمانی "اعلان‌گر"،

فوتبال دنیا رعایت می‌شود را رعایت کنیم/ متأسفانه آقای اصفهانیان در این باره دلخواهی عمل کردند و مقررات‌گذاری انجام نشد/ حضور اصفهانیان به عنوان رئیس کمیته داوران به دلیل دوشغله بودن غیرقانونی است/ تعداد مدرسانی که ما داریم به صورتی است که در شرایط ایده‌آل نیست/ عدم تعاملی و همدلی موجود در بین کمیته داوران و دپارتمان به داوران لطمه زده است/ داوران ما توانایی الیت شدن را نداشتند/

✓ **کنایه:** ماله کشیدن

✓ **استعاره:** مسیر زندگی

✓ **نقل قول:** در این گفت‌وگو نقل قولی از شخص غایب صورت نگرفته است و فاعلان به صورت صریح از گفته‌های خود برای اتهام‌زدایی استفاده می‌کنند.

✓ **پیش‌فرض:** در گفتمان این برنامه پیش‌فرض‌های زیر را می‌توان از لابه‌لای گفت‌وگوها تفسیر کرد:

پیش‌فرض ۱: اختلاف بین کمیته داوران و دپارتمان داوران منجر به تأثیر منفی بر عملکرد داوران شده است.

پیش‌فرض ۲: عملکرد شخصی و غیر قانونی رئیس کمیته داوران به داوران و قضاوت لطمه زده است.

پیش‌فرض ۳: تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری درستی جهت توسعه فوتبال در نهادهای متولی صورت نمی‌گیرد.

پیش‌فرض ۴: داوران از آموزش و ابزارهای لازم برخوردار نیستند و به آنها رسیدگی نمی‌شود که باعث می‌شود نتوانند عملکرد مطلوبی را از خود به نمایش بگذارند.

✓ **منظر:** در این گفت‌وگو آقای غیائی به عنوان منتقد مدیریت رئیس کمیته داوران به موضع می‌نگرد. آقای اصفهانیان نیز در این گفت‌وگو سعی در دفاع و رفع اتهام از خود دارد.

مجری نیز در این گفت‌وگو از منظر یک انسان آگاه و مشرف به مشکلات قضاوت و داوران ضمن طرح سؤال از مشارکان سعی می‌کند تا به یک رهیافت مشترک جهت رشد داوران و شناسایی عوامل مخرب قضاوت مانند: عدم امکانات، ضعف کمیته داوران و..

● **دال اصلی:** دال اصلی گفتارهای مجری (فردوسی‌پور)

مدیریت است

دال اصلی گفتارهای آقای غیائی سیاست‌های ایجابی برای پیشرفت داوری و عملکرد مطلوب قضاوت است. دال اصلی گفتمان و گفتارهای آقای عسگری مطلوبیت عملکرد است که او سایر دال‌های شناور و وقته‌هایش را حول این دال صورت بندی و مفصل بندی می‌کند.

● **دال شناور (وقته‌ها):** فردوسی‌پور: دال تعامل

غیائی: دال آموزشی، دال مدیریتی و دال تعامل‌گرایی،

دال فناوری‌محور

عسگری: دال فناوری‌محور، دال نظم‌گرایی، دال

تعامل‌گرایی و دال آموزش

● **هژمونی:** تنها نشانه تثبیت‌شده‌ای که در این برنامه بین

مشارکان مختلف وجود داشت و همه بر سر آن دارای اتفاق

نظر بودند، دال تعامل‌گرایی بود.

اما بین آقای غیائی و عسگری دال‌های آموزشی و فناوری

محور نیز جز نشانه‌های تثبیت شده و هژمونیک بود.

اپیزودهای معنایی که در این برنامه برجسته شده‌اند عبارتند از:

۱. لزوم توجه به دال (بعد) آموزشی

۲. تعامل نهادها با یکدیگر

۳. استفاده از فناوری‌های پیشرفته داوری

۴. اهمیت به گفتمان مدیریتی و قانون‌محور بودن در

کمیته داوران

"می‌خواهم بگویم که" استفاده کرد تا توجه مخاطب و شنونده را به سمت موضوع مهمی که قصد بیان آن را دارد جلب کند و بدین صورت مخاطب استدلال‌های او را با قوت بیشتری پذیرا باشد.

در این گفت‌وگو عسگری نیز در گفتارهای خود لزوم توجه جدی به داوران را مطرح کرد و سعی در ارسال این پیام داشت که برای حمایت از داوران در برابر رفتارهای ناپسند دیگران، باید به ایجاد راهبردی پرداخت. او همچنین به باید و نبایدهای ساختاری نهادی‌های متولی در امر قضاوت پرداخت که هر کدام به نوبه خود سهمی در پیشرفت قضاوت دارند و به همین دلیل دیدگاه تعامل‌گرایانه را برای همکاری دو نهاد اصلی داوری در جهت ترقی قضاوت صحیح اعلام کرد. چنین بعد آموزشی را در رسیدن به قضاوت مطلوب دالی مهم بر شمرد.

فردوسی‌پور با استفاده از انسجام واژگانی مانند: "سختی، اشتباه، مسیر زندگی و..." فضای ملتهب حاکم بر داوری را نشان داد و به نحوی ضمنی این معنا را متبادر کرد که قضاوت از کارهای دشوار است که می‌تواند سرنوشت یک فرد و داور را دگرگون کند. در ادامه گفته‌هایش، عدم پرداخت حقوق داوران و پرداخت نشدن پول اسپانسر به آنها را مورد نکوهش قرار داد و اختلاف میان نهادهای مهم داوری را عامل اصلی در عملکرد ضعیف داوری دانست و دال تعامل و دوستی را برای توسعه داوری مهم دانست.

● **گفتمان:** قضاوت تنها گفتمانی است که در میان مشارکان

برجسته شده است و آنها گفتارهای خود را بر محور این

گفتمان بنا می‌کنند.

جدول ۳- نظم گفتمانی

Table3- The Order of Discourse

گزاره‌های بیان شده	دال‌های مطرح شده	فاعلان
اکنون هم که کمیته داوران به صورت شورایی اداره می‌شود افراد با همدیگر اختلاف دارند	دال آموزشی، دال مدیریتی و دال تعامل‌گرایی، دال فناوری‌محور	غیائی (گفتمان قضاوت)
در مقررات فوتبال آمده است که توسعه فوتبال که در گروهی کلاس‌های آموزشی، کارهای اجرایی و... با دپارتمان است با ورود امکانات جدید این اشتباهات رو به کاهش است	دال فناوری‌محور، دال نظم‌گرایی، دال	عسگری (گفتمان قضاوت)
برای پیشرفت داوری نیز ما نیازمند تعامل این دو نهاد با هم هستیم پول اسپانسر طبق بخشنامه فیفا باید خرج آموزش و توسعه داوری شود		

پیشرفت تکنولوژی تأثیر زیادی در کاهش اشتباهات داوری خواهد داشت	-	تعامل‌گرایی و دال آموزش.
عدم تعامل و همدردی موجود در بین کمیته داوران و دپارتمان به داوری لطمه زده است	-	دال تعامل

فردوسی پور
(گفتمان قضاوت)

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق پیش‌رو با هدف تحلیل گفتمان برنامه نود جهت کشف نظام گفتمانی این برنامه در باب قضاوت انجام گرفت. از آنجا که زبان و رسانه‌ها دو عنصر در هم تنیده هستند، شناخت ابعاد زبانی یک برنامه رسانه‌ای از جنس "نود" که در باب مشکلات ورزش از جمله داوری پخش می‌شود می‌تواند ضمن آشنایی متولیان امر از آسیب‌شناسی‌های این برنامه جهت برون‌رفت از مشکلات به عنوان چشم اسفندیارهای ورزش فوتبال به بساخت معنای تولیدی توسط این برنامه و فاعلان شرکت‌کننده‌اش یاری برساند. در واقع در این برنامه عملکرد داوری و دلایل اشتباهات داوری مورد بررسی قرار گرفت. در برنامه نخست فاعلان از دو منظر مخالف و حامی وضعیت داوری و قضاوت به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. به همین دلیل تمام گزاره‌های بیان شده از سوی آنها در حول دال اصلی داوری مفصل‌بندی شده که با ترکیب عناصر گفتمانی موجود به خلق گفتمان قضاوت منجر می‌شود. در متن این گفت‌وگو اکثر مشارکان سعی دارند که به نوعی به نقد روال داوری و قضاوت پرداخته و مکانیسم آموزش داوری و قضاوت را در میان داوران کشور به زیر تازیانه نقد خود برده و با استفاده از تجربیات خود به ارائه یک الگوی مطلوب جهت شناخت و آموزش داوران خوب بپردازند که البته مقام رسمی هر کدام باعث ایجاد گزاره‌هایی در بیان مشارکان شد تا به‌وسیله آن از خود و نهاد خوب دفاع کند.

در گفت‌وگوهای کارشناسان که به نقد وضعیت داوری می‌پرداختند، نشانه‌ی تثبیت شده بین همه لزوم وجود دال مدیریتی بود. متن با اشاره صریح و مستقیم به روند اداره کمیته داوران، به "ضعف نهاد"ی اشاره می‌کند و به طور مستقل درباره شیوه مدیریت در سطح کمیته داوران سخن می‌گوید. عادل در گفته‌های خود به بیان ضعف‌های کمیته داوران پرداخته و با آوردن مثال‌های برای شفاف‌سازی عملکرد این کمیته، باید و نبایدهای موجود در این کمیته را به چالش می‌کشد.

در گفته‌های فاعلان چند دال بیشتر از سایرین مطرح می‌شود که در یک زنجیره هم‌ارزی گفتمان قضاوت مطلوب (نوع آرمانی) را در نزد آنها شکل می‌دهند و او به همین دلیل گزاره‌های بیان شده خود را بر محور آنها قرار می‌دهند: دال آموزشی، دال

مدیریتی، دال آینده‌نگری، دال اجتماع‌محور، دال مدیریتی، دال مردم‌محور، دال صداقت، دال آمادگی جسمانی (بدن)، دال مدیریتی و دال خبره‌گرایی. نظم گفتمانی این برنامه بر محور توافق معنایی بین مشارکان بسته شده است. در برنامه دوم نیز نتایج نشان می‌دهد که فردوسی‌پور رسانه‌ها و مردم را از عوامل تأثیرگذار بر داوری و روحیه قضاوتی داوران قلمداد می‌کند و معتقد است که بازخورد مردم و رسانه‌ها به عملکرد قضاوت یک داور می‌تواند زندگی حرفه‌ای او را دگرگون کند. او در گفتارهایش اختلاف میان نهادهای مهم داوری را عامل اصلی در عملکرد ضعیف داوری معرفی کرد و دال تعامل و دوستی را برای توسعه داوری مهم دانست.

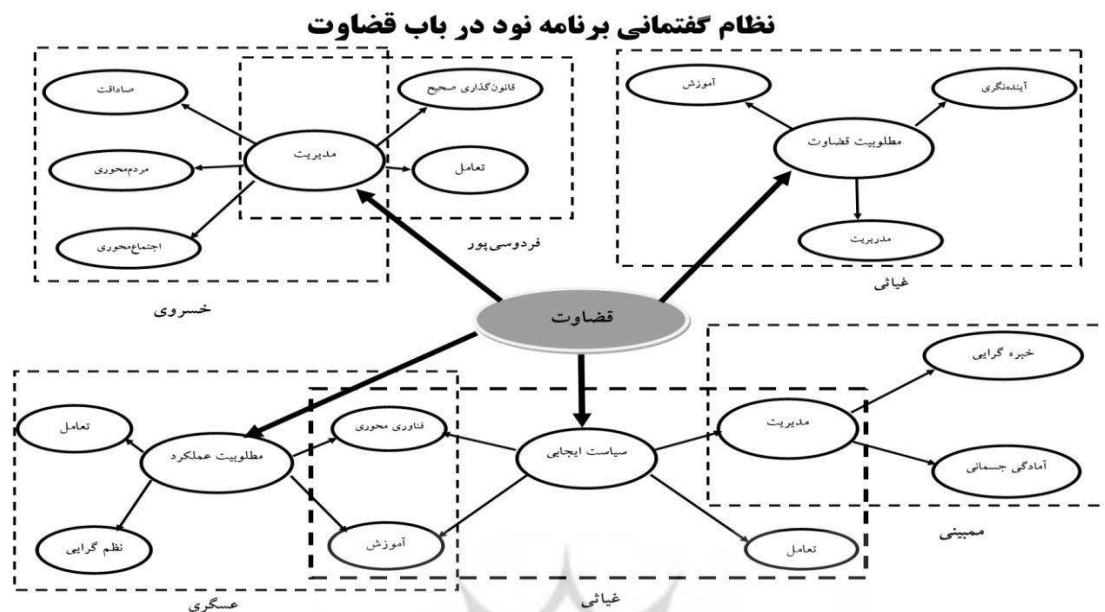
در این گفت‌وگو آقای غیائی و عسگری به نحوه قضاوت و وضعیت بد آن در فوتبال کنونی کشور اشاره می‌کنند. در گفته‌های آنها چند دال برجسته می‌شود که در یک زنجیره هم-ارزی گفتمان قضاوت مطلوب (نوع آرمانی) را در نزد آنها شکل می‌دهند و به همین دلیل گزاره‌های بیان شده خود را بر محور آنها قرار می‌دهند: دال مرکزی آقای غیائی سیاست‌ایجابی است و او در واقع بر این عقیده است که مهم‌ترین عاملی که باعث می‌شود قضاوت به سمت بهبودی حرکت کند، پرداختن به سیاست‌های ایجابی است به همین دلیل او دال‌های شناور فناوری‌محور، تعامل‌گرایی، آموزش و مدیریت را حول گره‌گاه خود مفصل‌بندی می‌کند به این معنا که همه دال‌های شناور در گروهی تحقق سیاست‌گذاری ایجابی است.

از سوی دیگر نیز عسگری نیز دال اصلی‌اش قضاوت مطلوب است و بر این باور است که زمانی قضاوت مطلوب می‌گردد که نظم‌گرایی، مدیریت، تعامل و فناوری‌محوری بهبود یابد و از آنها تبعیت گردد.

باتوجه به سؤال سوم، اپیزودهای معنایی که در این برنامه برجسته شد متشکل از لزوم توجه به دال (بعد) آموزشی، انجام آزمون‌های استاندارد، آمادگی جسمانی، آینده‌نگری، صداقت و شفاف بودن عملکرد کمیته داوران و دپارتمان، تعامل نهادها با یکدیگر، استفاده از فناوری‌های پیشرفته داوری و اهمیت به

افراد شکل گرفت به شکل زیر است که در واقع پاسخ به سؤال آخر این تحقیق مبنی بر فرموله شدن گفتمان است:

گفتمان مدیریتی و قانون‌محور بودن در کمیته داوران بود. با توجه به دال‌های مطرح شده در گفتارهای فاعلان شرکت‌کننده، نظام گفتمانی برنامه نود که از برهم‌کنشی گفتمان‌های مختلف



شکل ۱- نظم گفتمانی

Figure 1- The Order of Discourse

تأثیر قرار دهد و به نحوی گفته‌های این برنامه را در قالب عقل سلیم پذیرا بوده و مطالب مطرح شده در آن را به عنوان واقعیت در نظر بگیرند. بر پایه یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌توان اذعان کرد گفت‌وگوهای تخصصی در تلویزیون می‌تواند در بهبود حوزه‌های مختلف فوتبال کمک کند. کما اینکه یافته‌ها نشان داد که در برنامه نود نیز می‌توان مؤلفه‌هایی را از لایه‌های زیرین ورزش استخراج و آنها را در بعد عملی به کار بست. از این رو می‌توان اذعان کرد که در واقع مطلوبیت قضاوت تا حدی مرهون نوع سیاست‌گذاری، نحوه عملکرد مدیران ورزشی و سازمانی کشور، آموزش حرفه‌ای داوران، توجه به ابعاد فنی و حرفه‌ای قضاوت از جمله فناوری‌محوری، نظم‌گرایی، آمادگی جسمانی و همچنین قانون‌گذاری صحیح نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه ورزش است. در واقع یافته‌ها حاکی از مشابهت با یافته‌های پژوهش بیتا عرب نرمی (۲۰۱۸) است که گفتمان نخبگی گفتمان مشارکت ورزشی را به حاشیه رانده است و در این برنامه نیز نشان داده شد که تعامل‌گرایی، نظم‌گرایی، مردم و اجتماع‌محوری که تا حدی گویای گفتمان مشارکتی ورزش است به حلقه مفقوده فوتبال به ویژه در حوزه داور و قضاوت تبدیل شده است.

نظم گفتمانی این برنامه نیز بر پایه توافق معنایی است که هر کدام برای برون‌رفت از قضاوت‌ها، دلایل، استدلال و پیشنهادهایی را ارائه می‌کنند به همین دلیل گفتمان قضاوت از منظر آنها گاه از ویژگی مشابهی برخوردار است. در واقع مفصل‌بندی گفتمان‌های این برنامه نشان می‌دهد که برای نیل به یک نظام داور خوب دال‌ها و ملزوماتی نیازمند است که اجرای آنها می‌تواند به این اتفاق کمک کند. در این برنامه مجری با استفاده از تهیدات زبانی و گفتمانی خود افراد مسئول در بروز این موارد را مورد سرزنش قرار داده و بی‌تدبیری و سوء مدیریت را دال اصلی توسعه‌نیافتگی فوتبال و قضاوت ناصحیح و شبهه‌دار داوران می‌داند. مجری در این برنامه سعی کرد تا از طریق اطلاع‌رسانی و طرح سؤال درباره علل ضعف داور و مخاطبان درباره دلایل اصلی عملکرد ضعیف داوران و قضاوت‌ها بپردازد. با دعوت کارشناسان و افراد دخیل در مسئله‌های مهم در میزگردها و مناظرها و آسیب‌شناسی کردن مسائل به وسیله مهمانان، سعی در ارائه راهبردهایی جهت برون‌رفت از توسعه‌نیافتگی فوتبال در حوزه‌های گوناگون داشت و با استفاده از سخنان افراد کارشناس در تلاش بود تا نگرش عمومی مخاطبان فوتبال را درباره گفتمان قضاوت تحت تأثیر خود قرار دهد. این نگرش‌ها نیز به نوبه خود می‌تواند نیاز و انگیزه‌های مردم را برای عمل در جهت مورد نظر هدف این برنامه تحت

References

1. Abdi, H, Jalali Farahani, M. & Sajjadi, N. (2009). Comparative Study of Football Referee Status in Iran and the United Kingdom. Sport Management journal. (Persian)
2. Ahmadi, A. & Mohammadzadeh, H, (2009). Stress Resources in Iran's Soccer Professional Referees. Olympic journal, ٤٨ (Persian)
3. Arab narmi, B. (2018). TV and sports development; A study with the theory of discourse approach. Journal of Communication Management in Sports Media, 5 (20), 53-62. (Persian)
4. Biryukov , N. s. (1993). Television and its Doctrine in the West, translated by Mohammad Hafezi, Tehran: Center for Media Studies and Research , 70
5. Bizzini M (2010). Injuries and musculoskeletal complaints in football referees.
6. Buyukkantarcioglu, N. (1999). Favouritism in Sport Discourse, Hacett epe Universitesi EdebiyatFakultesi Dergisi, 16 (2), 117-130.
7. Colwell, S. (2000). The letter and the spirit: Football laws and refereeing in the twenty-first century. Soccer & Society, (1), 22
8. Dohmen, T. (2003). In Support of the Supporters? Do social forces shape decisions of the impartial?, Institute for the Study of Labor (IZA). 1-23
9. Fairclough, N. (2000). Critical Discourse Analysis, Translated by Mohammad Nabavi, Mehran Mohajer), Tehran: Center for Media Studies and Research. 119-145 (Persian)
10. Farhadbigi, P, Bagherian, F, Khoramibnarak, A, (2011). Investigating the accuracy and speed of intuitive, quasi-rational and analytical judgment under external stress. Social Psychology Research, (2), 71-72 (Persian)
11. Gardiner, S. & Felix, A. (1995). Juridification of the Football Field: Strategies for Giving Law the Elbow", Marquette Sports Law Review, 5 (2) Spring
12. Gholamian, J, Golzar, S, Hosseini, S. & Talebpour, M. (2009). Investigating the Exhaustion Caused by Judges among Iranian National and International football Referees and its Relationship with Stress level. Sport Management journal, 142-143 (Persian)
13. Jafari Langroudi, M. J, (1993). Terminology of Law, Tehran: Ganj Danesh Publishing, 372 (Persian)
14. Jorgensen, M & Philips, L. (2014) Discourse Analysis as Theory and Method , (translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney. 110-230
15. Karimi Firouzjaie, A. & Iraqi yazdan Parast, P. (1397). Investigating the news headlines of Persepolis & esteghlal derbies from the perspective of critical discourse analysis. Journal of Communication Management in Sport Media, 5 (3), 27-38. (Persian)
16. Lazar, J. (2001), Public opinion, translation of Morteza Khatibi, Tehran: Ney. 86-87 (In Persian)
17. Loghmani, M, Ramezanejad, R, (2014), The role of the main characteristics of the job in the estimation of the occupational affiliation of Iranian referees. New approaches in management of sport, (3), 58 . (Persian)
18. Mahdizadeh, S. M (2015). Secularism and Symbolic Violence in Television Discourse: Discourse Analysis of Persian TV Broadcasting Program pargar. Journal of Culture- Communication Studies, 16 (31), 118 (Persian)
19. Mahdizadeh, S.M. (2004). Representation of Iran in the Western press: critical Discourse analysis of the New York Times, "Guardian", "Le Monde", "De Velt", [Ph.D]. Social Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University. (persian)

20. Matson, D. (2013), Media Discourse: Analysis of Media Texts, Translated by Abdolhossein Kalantari and Behzad Ahmadi, Tehran, Office of Media Studies and Planning, 10-20.
21. Moghadami, M. (2011), Theory of laclau and mouffe's Discourse Analysis and its Critique, Journal of Cultural Social Knowledge, (2), 93 . (Persian).
22. Motahari, M. (2013). Comparison of Football Referee's Burnout Based on their Degrees and Referees, [MSc]. Management and Planning in Physical Education, Allameh Tabataba'i University; 372 . (Persian)
23. Pohlkamp, S. (2014), The impact of referees on match outcomes in professional sports: Evidence from the German Football Bundesliga] June 24, 5-7
24. Sahragard, R. & Rahimi, S. A (2017), Critical Discourse Analysis Of Football Reports: The case of Real Madrid official Website, 2nd international conference on modern approach in humanities, management, economics and accounting, paris, france. (Persian)
25. Soltani, S. A. A (2005). Power, Discourse and Language, Tehran: Publishing Ney. 58. (Persian)
26. Tanamati, S.J & Shamir, L. (2016), Quantitative Analysis of Penalty Kicks and Yellow Card Referee Decisions in Soccer], American Journal of Sports Science; 4(5), 84.
27. Webb, T. (2018). Referees and the Media: A Difficult Relationship but an Unavoidable], Journal Soccer & Society. 2 (19), 3
28. Weinberg, R &., Richardson, P. A. (2011), Psychology of the Referee, Translated by siroos Choobineh, Tehran: Omid Danesh.

